

## الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۲۹

شعیب بهمن<sup>۱</sup>

### چکیده

طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از سوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مباحث مختلفی را در رابطه با ضرورت‌های طرح و تدوین چنین الگویی به وجود آورده است. با توجه به اهمیت بالای اندیشه‌های ایشان در مورد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، این مقاله در پی پاسخگویی به این سؤال اساسی است که «چه شاخص‌هایی در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت وجود دارند؟» بنابراین هدف اصلی مقاله بررسی شاخص‌های تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است و سعی شده از آغاز پیش‌داوری و فرضیه‌ای تعیین نگردد. با این حال یافته‌های بحث که مبتنی بر تحلیل بیانات، نظرات و گفت‌وگوهای مقام معظم رهبری درباره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است، حکایت از آن دارد که ناکارآمدی الگوهای غربی توسعه (مفهوم تک‌بعدی، ماهیت غیردینی و مادی و همچنین اهداف و آرمان‌های دنیوی)، ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت (عدم تبعیت بی‌چون و چرا از الگوها و نظریه‌های غربی توسعه، استخراج مبانی نظری و شیوه‌های تحقق الگو از منابع اسلامی، بومی‌سازی تجربه‌ها و دستاوردهای نظریه‌ها و الگوهای سایر ملل و طراحی متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی ایران) و تبیین الگویی مبتنی بر شاخصه‌ها و ارکان اسلامی (مسئله مبدأ، مسئله معاد، مسئله عدم تفکیک دنیا و آخرت، مسئله انسان و نگاه اسلام به انسان، مسئله حکومت، مسئله عدالت و نگاه غیرمادی به اقتصاد) از جمله عواملی هستند که تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضروری کرده‌اند.

واژگان کلیدی: الگو، پیشرفت، توسعه، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.

<sup>۱</sup>. دکترای علوم سیاسی، مدیر مؤسسه مطالعات راهبرد پژوهان جهان معاصر shuaibbhaman@gmail.com

### مقدمه و بیان مسئله

از زمان پایان جنگ جهانی دوم تا کنون، توسعه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل و مفاهیم در محافل نظری مختلف و مراکز برنامه‌ریزی کشورها به‌طور فراگیری مطرح بوده است. یکی از دلایل فراگیر شدن مفهوم توسعه، رقابت دو ابرقدرت شرق و غرب برای تسری الگوی خود به عنوان الگوی برتر رشد و توسعه اقتصادی برای سایر ملل بود تا از این طریق بتوانند در کشورهای غیر توسعه‌یافته نفوذ خود را افزایش داده و آنها را به خود وابسته گردانند. براین‌اساس فرایند توسعه از دهه ۱۹۵۰ به بعد، با دو نگاه الگوهای سوسیالیستی و الگوهای سرمایه‌داری مطرح گردید. در الگوهای سوسیالیستی بحث‌هایی مانند عدالت اجتماعی و تأمین نیازهای پایه‌ای و اساسی به‌عنوان بحث‌های محوری مطرح گردید. در الگوهای سرمایه‌داری نیز توجه به افزایش رشد اقتصادی و رفاه بدون در نظر گرفتن مقولاتی همچون عدالت اجتماعی مورد توجه بود. در واقع در این نظریه‌ها عموماً توسعه به‌مثابه افزایش پایدار سرانه تولید ناخالص داخلی همراه با دگرگونی ساختار اقتصادی و ارتقای کلی سطح زندگی بخش‌های وسیعی از مردم در نظر گرفته می‌شد.

در این بین، سقوط حکومت قاجار و ظهور رضاخان را باید دوران ورود ایران به وادی توسعه صنعتی دانست. سلطنت پهلوی که بر ویرانه‌های مشروطیت بنا شده بود، اولین دولت مطلقه و شبه‌مدرن در ایران محسوب می‌شود. این سلطنت به‌رغم تمام ناکارآمدی‌ها و استبدادطلبی‌ها از ابتدا «توسعه اقتصادی» را سرلوحه کار خود قرار داد و برای پیشبرد آن، چه در دوره رضاخان و چه در دوره محمدرضا، دست به اقداماتی زد. الگویی که پدر و پسر برای توسعه ایران در نظر گرفته بودند از اندیشه‌های غربی تأثیر پذیرفته بود و هر دوی آنها برای توسعه، وابستگی به کشورهای غربی را برگزیدند. باین‌حال وقوع انقلاب اسلامی خود بیانگر شکست الگوهای غربی توسعه در ایران است؛ زیرا درحالی‌که قرار بود ایران با استفاده از الگوهای غربی نظیر نوسازی به توسعه دست یابد، عملاً جامعه ایرانی در آستانه انقلاب نه تنها به جامعه‌ای توسعه‌یافته شباهت چندانی نداشت، بلکه علت اصلی عقب‌ماندگی خود را نیز غرب‌گرایی نظام سیاسی تلقی می‌کرد. به‌خصوص که برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران نه به منزله تلاش آگاهانه دولت برای بهبود وضعیت اقتصادی خود، بلکه ابزار مدرن سرمایه‌داری مسلط برای استمرار روند استثمار اقتصاد ایران بود. براین‌اساس می‌توان تبعیت کورکورانه از غرب

بدون توجه به مقتضیات زمانی، مکانی و شرایط فرهنگی و اجتماعی و نادیده گرفتن دین به‌عنوان موتور محرک جامعه ایرانی را از جمله عوامل شکست الگوهای غربی توسعه در دوران پهلوی به‌شمار آورد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بحث توسعه و پیشرفت به یکی از مباحث مهم و عمده مبدل شد. در این بین دو نگرش اصلی بروز کرد که می‌توان آنها را با دو عنوان نگرش نئومدرنیزاسیونی به توسعه و نگرش بومی - مذهبی به پیشرفت طبقه‌بندی کرد:

نگرش اول شامل نظریات متأثر از مکتب مدرنیزاسیون و نئومدرنیزاسیون بود. در این نگرش، توسعه اصل بود و هواداران آن با دیدی ابزاری به مذهب می‌نگریستند. اصولاً قرائت‌هایی از مذهب برای این گروه اهمیت داشت که می‌توانست در خدمت توسعه باشد. بین این دو گروه، نئومدرنیست‌ها بعد از انقلاب، اهمیت بیشتری پیدا کردند؛ زیرا شکست اقدامات مدرنیزاسیون شاه که متأثر از نظریه مدرنیست‌های کلاسیک بود و مخالفت آن با مذهب، زمینه رشد مجدد مدرنیست‌های کلاسیک را با مشکل مواجه کرده بود. نئومدرنیست‌ها ضمن پذیرش آرمان‌ها و اهداف مدرنیست‌های کلاسیک بر این نکته تأکید داشتند که ارزش‌های سنتی از جمله ارزش‌های مذهبی نه تنها مانع توسعه نیستند، بلکه می‌توانند حامی روند مدرنیزاسیون در کشور نیز باشند. بنابراین آنها تلاش می‌کردند تا قرائت‌های خاصی از مذهب و ارزش‌های مذهبی را تقویت کنند که بتواند با روند توسعه هماهنگی داشته و آنها را توجیه کند و بقیه قرائت‌ها را ضد توسعه معرفی نمایند. از نظر این گروه، مذهب باید در خدمت توسعه قرار گیرد و روند آن را تشدید نماید. درعین حال این گروه تأکید داشتند اهدافی که توسعه در غرب به آن رسیده باید اهداف اصلی توسعه در ایران نیز باشد؛ هرچند که آنها می‌پذیرفتند راه‌های مختلفی برای رسیدن به توسعه وجود دارد.

نگرش دوم، نگرشی بومی - مذهبی به پیشرفت بود. هواداران این نگرش که عمدتاً نیروهای انقلابی و مذهبی بودند، با اصل قرار دادن اهداف و آرمان‌های ملی - مذهبی معتقد بودند که اهداف پیشرفت باید براساس ویژگی‌های خاص ایران، از جمله ارزش‌های مذهبی، تعریف شود. این نگرش با توجه به پیش‌فرض‌های خاصی معتقد است که مذهب شیعی در ایران اصولاً یک مذهب منفعل در مقابل پیشرفت نیست؛ بلکه جهت‌گیری‌های فعالی در خصوص نحوه زندگی دنیوی دارد و دارای موضع خاص در خصوص اهداف و جهت‌گیری‌های پیشرفت است. نتیجه

این نحوه تفکر این است که جایگاه مذهب نه تنها در تعیین اهداف و ارزش‌ها، بلکه در تعیین راهکارها و نحوه رسیدن به هدف قرار دارد.

در این بین، به‌رغم آنکه در سال‌های اولیه انقلاب، تلاش‌هایی جهت اجرای نظریه‌هایی که فرض اولیه آنها بر امکان عملیاتی کردن تئوری‌ها و نظریه‌های توسعه به سبک غرب در ایران بود صورت گرفت، با این حال وقوع جنگ و تحولات داخلی و خارجی مانع از تحقق کامل این امر شد. در سال‌های بعد از جنگ نیز اگرچه مسئله توسعه همچنان یکی از مباحث مهم جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شد، اما حرکتی در راستای عمق‌بخشی به الگویی بومی صورت نگرفت.

به این ترتیب در ایران از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به ماهیت متفاوت انقلاب اسلامی با گفتمان‌های دیگر و تأکیدی که بر ناکارآمدی و مادی بودن الگوهای غربی می‌شد، ضرورت تدوین الگویی به منظور توسعه و پیشرفت کشور مطرح شد. با این حال طراحی و تحقق چنین الگویی به دلیل مهیا نبودن برخی زمینه‌ها و شرایط لازم و همچنین تحولاتی همچون جنگ تحمیلی، با پاسخی درخور روبه‌رو نشد و به تأخیر افتاد. این در حالی بود که الگوهای توسعه، که دولت‌های مختلف به‌کار می‌گرفت، هیچ‌یک نتایج قابل توجهی دربرداشت و نمی‌توانست انقلاب اسلامی را به اهداف متعالی خود برساند. درعین حال، فقدان الگوی پیشرفت بومی متناسب با ویژگی‌ها و مطلوبیت‌های گفتمان انقلاب اسلامی، دست‌کم به‌صورت مدون، که روح حاکم بر برنامه‌ها و سیاست‌ها باشد، آسیب‌ها و پیامدهای نامطلوبی داشت که موجب تحول در برخی ارزش‌ها و به‌تبع آن، تغییر در برخی جهت‌گیری‌ها و مناسبت‌ها به سود الگوهای غربی توسعه می‌شد.

براین اساس تدوین الگویی مبتنی بر ارزش‌های معنوی برگرفته از اعتقادات مستحکم و راسخ توحیدی و متکی به مبدأ و معاد، نیازها، خلاءها، ظرفیت‌ها و اقتضائات جامعه ایرانی ضرورت یافت؛ به‌خصوص که پیروزی انقلاب اسلامی ایران با شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ایران انتظار تدوین الگویی بومی و متکی بر مبانی اعتقادی و مبتنی بر اندیشه‌های خلاق و ظرفیت‌های نرم‌افزاری و فکر بلند ایرانی را مطرح کرده بود. در این راستا، در تاریخ دهم آذر ۱۳۸۹، ایده طراحی و تدوین «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» توسط آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی مطرح گشت. درعین حال طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر عهده

متفکرین، علما، اندیشمندان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان جامعه گذاشته شد تا براساس اصول اساسی اسلام و آرمان‌های انقلاب این الگو را طراحی و تبیین نمایند.

با توجه به اهمیتی که تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دارد، بحث شاخص‌های تدوین این الگو از منظر ایشان قابل بحث و بررسی است. از این رو در این مقاله، سعی شده ضمن بررسی مفاهیم و توضیح روش به‌کار گرفته شده، نخست به جایگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته شود و پس از آن، رویکرد ایشان نسبت به تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد.

### هدف و سؤال‌ها تحقیق

این مقاله در پی واکاوی در اندیشه‌ها و منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جهت یافتن شاخص‌های تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. بر این اساس هدف پژوهش ارائه الگویی مفهومی جهت تبیین ابعاد مختلف اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.

با توجه به اهمیت بالای اندیشه‌های مقام معظم رهبری در مورد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت این مقاله در پی پاسخگویی به این سؤال اساسی است که «چه شاخص‌هایی در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت وجود دارند؟» به منظور پاسخگویی به این سؤال، ضروری است به چند سؤال دیگر نیز پاسخ‌های دقیق داده شود. این سال‌ها عبارت‌اند از:

۱. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از چه جایگاهی برخوردار است؟
۲. رویکرد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چه مرحله‌ای دارد؟ این سؤال خود با چند سؤال فرعی همراه است که هر یک از سؤال‌ها به مرحله‌ای از این تحول فکری اشاره می‌کند:

الف) حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چه نقدهایی به توسعه و الگوهای غربی توسعه وارد کرده‌اند؟

ب) با توجه به تفاوت‌های موجود میان دو مفهوم «پیشرفت» و «توسعه» در اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دیدگاه ایشان نسبت به نحوه ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت چگونه است؟

ج) حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چه مواردی را به‌عنوان ارکان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نظر گرفته‌اند؟

### پیشینه تحقیق

درباره ادبیات و پیشینه پژوهش‌های انجام شده در خصوص شاخص‌های تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای لازم است به دو نکته توجه شود: نخست آنکه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مفهوم نسبتاً جدیدی است و به همین دلیل درباره آن، منابع چندان زیادی وجود ندارد که به صورت علمی و مستدل به بررسی این موضوع پرداخته باشند.

دوم آنکه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به‌رغم تأکیدات مؤکد رهبر انقلاب اسلامی، هنوز در چارچوب مرزهای ملی ایران باقی مانده است. در نتیجه، منعی به زبان‌های دیگر در خصوص این موضوع وجود ندارد.

با توجه به نکات فوق، از میان آثار منتشر شده در خصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، چند اثر به‌طور مشخص به بحث دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته‌اند:

افشین عادل (۱۳۸۸) در کتاب *ضرورت تبیین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت کشور به تحقیق درباره دیدگاه‌های آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی ایران در مورد لزوم تحول و پیشرفت‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی ایران پرداخته است*. در این اثر سعی شده دیدگاه‌ها و سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای در مورد ابعاد تحول و توسعه در علوم، صنعت، فرهنگ و اقتصاد با توجه به معیارهای اسلامی و علمی و نگاه انسان‌مدار منعکس شده و الگوی پیشرفت در غرب و مدل‌ها و الگوهای مناسب توسعه با اهداف اسلامی تبیین گردد. در این کتاب، بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیش از چهل عنوان دسته‌بندی شده است.

اگرچه این کتاب اثر مهمی محسوب می‌شود و بیانات و دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را جمع‌آوری کرده اما از دو نقص بزرگ رنج می‌برد: نخست آنکه کتاب صرفاً

جمع‌آوری دیدگاه‌هاست و فاقد جنبه تحلیلی است و دوم آنکه از زمان طرح مسئله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تاکنون مباحث مختلفی از سوی آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شده‌اند که این کتاب آنها را دربر نمی‌گیرد. در واقع کتاب صرفاً شامل دوره طرح مباحث مرتبط با طرح مسئله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌شود.

امیر سیاه‌پوش (۱۳۹۲) در کتاب *الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: برگرفته از بیانات حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی* مجموعه بیانات حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی را به‌عنوان چراغ راهنمای تدوین و تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد بررسی قرار داده است. در این کتاب تلاش شده تا همه مطالبی را که رهبری در خصوص پیشرفت عرضه داشتند گردآوری و ارائه گردد.

اگرچه این کتاب نیز اثر مهمی محسوب می‌شود و بیانات و دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را دربر می‌گیرد، اما صرفاً جمع‌آوری دیدگاه‌هاست و جنبه تحلیلی ندارد. همچنین کتاب از لحاظ زمانی نیز نسبتاً قدیمی محسوب می‌شود. زیرا از سال انتشار کتاب به بعد، بیانات بسیار مهمی از سوی آیت‌الله خامنه‌ای ارائه شده که نکات برجسته‌تری را نسبت به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دربر می‌گیرد.

کتاب *الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت* نوشته جمعی از نویسندگان (۱۳۹۳) شامل فرمایش‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره تحقق پیشرفت و عدالت در جامعه است. این نوشتار فرمایش‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با محوریت راهکارهای تحقق شعار دهه چهارم انقلاب، از جمله پیشرفت و عدالت و لوازم و پیامدهای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، از سال ۱۳۸۵ به بعد را دربر می‌گیرد. این کتاب در ۹ فصل با سرفصل‌های تعاریف و مفاهیم، پیشرفت و عدالت؛ گفتمان دهه چهارم انقلاب، تبیین نمای کلی پیشرفت، الزامات پیشرفت، الگوهای نادرست پیشرفت، الگوی صحیح پیشرفت، جایگاه مهم علم و فن‌آوری در تحقق پیشرفت، وظیفه دانشگاهیان در دهه چهارم انقلاب و جایگاه عدالت در تحقق پیشرفت تدوین شده است.

اگرچه در این کتاب نیز تلاش شده سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بیان و طرح شود، اما کتاب فاقد جنبه تحلیلی مؤثر است و صرفاً در زمره کتاب‌های جمع‌آوری داده به‌شمار می‌آید. ضمن آنکه از لحاظ زمانی نیز تحولات جدید و بیانات رهبری را پوشش نمی‌دهد.

در مجموع، بررسی آثار منتشر شده درخصوص دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بیانگر آن هستند که این آثار یا از لحاظ زمانی چندان جدید به‌شمار نمی‌آیند یا فاقد جنبه تحلیلی جهت دستیابی به یک چارچوب پژوهشی منسجم می‌باشند. این درحالی است که این مقاله قصد دارد با بررسی دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درنهایت به ارائه چارچوب تحلیلی و مفهومی از بیانات و اندیشه‌های ایشان دست یابد.

### تعریف مفاهیم

۱. الگو: در تعریفی ساده از الگو می‌توان گفت که الگو نمایش نظری و ساده‌شده از جهان واقعی می‌باشد (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶: ۶۵). از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، الگو وسیله، معیار و میزانی است برای اینکه کاری که انسان می‌خواهد انجام دهد، با آن الگو تطبیق داده شود (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امیرالمؤمنین، ۳ شهریور ۱۳۸۱). به سخن دیگر، الگو چارچوب نظری و ذهنی است که پایه و معیار حرکت قرار می‌گیرد. الگو نقشه راه است (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰ آذر ۱۳۸۹) براین‌اساس الگو به مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه و قوانین گفته می‌شود که در ساختاری منطقی برای توضیح و تفسیر ساختاری از موجودات تکوینی، پدیده‌ها، روش‌ها، فرایندها، تئوری‌ها و نظریات ارائه می‌شود.

۲. پیشرفت: واژه پیشرفت مفهومی هنجاری - دستوری است که باید میان این واژه و اصطلاح‌های توصیفی دیگر مانند تغییر و توسعه تمایز قائل شد؛ زیرا مفهوم پیشرفت برای روشن کردن نقش فعال، بالقوه و خلاق ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی و دینی مورد استفاده قرار می‌گیرد که در مفاهیمی همچون رشد و توسعه نادیده گرفته می‌شوند. در این تعریف از پیشرفت، نیازهای مادی و معنوی انسان با هم در نظر گرفته شده است؛ به‌نحوی که افزون بر افزایش تولیدات اقتصادی، انباشت سرمایه، ملاحظات زیست‌محیطی و منابع طبیعی بین نسلی، تغییر ساختار اجتماعی، سیاسی و نهادی، قرین بودن آن با مقوله کرامت انسانی، مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد. براین‌اساس پیشرفت امری چند بُعدی است و همه شئون زندگی فردی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد.



۳. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: این الگو از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چنین تعریف شده است: «وقتی می‌گوییم الگوی ایرانی اسلامی یعنی یک نقشه جامع. بدون نقشه جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ این الگو نقشه جامع است؛ به ما می‌گوید که به کدام طرف، به کدام سمت، برای کدام هدف داریم حرکت می‌کنیم. وضعیت مطلوب باید تصویر شود و چگونگی رسیدن از وضع موجود به آن وضع مطلوب هم بایستی بیان شود.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

### روش پژوهش

با توجه به موضوع بحث که به شاخص‌های تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای اختصاص دارد، در این پژوهش از روش تحلیل گفتمان صرفاً به‌عنوان یک ابزار و تکنیک استفاده خواهد شد. چراکه با استفاده از روش تحلیل گفتمان می‌توان گفتمان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درخصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را مورد شناسایی قرار داد. بنابراین از روش تحلیل گفتمان صرفاً برای شناسایی عناصر مهم در گفتمان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای استفاده خواهد شد و این روش کاربرد دیگری در بحث نخواهد داشت.

همچنین برای انجام این پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و مطالعه و فیش برداری از کتب، مقالات، مجلات و سایر آثار مکتوب و معتبر استفاده شده است. بخش مهمی از مستندات پژوهش به بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان اولین فرد مطرح‌کننده الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اختصاص دارد. از این رو در مباحثی که مرتبط با دیدگاه‌های رهبر انقلاب اسلامی است به‌صورت مستقیم به بیانات ایشان رجوع شده است.

### یافته‌های تحقیق

در این بخش، نخست به جایگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته خواهد شد و پس از آن، رویکرد ایشان نسبت به تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد بحث و ارزیابی قرار خواهد گرفت. در این بخش کوشش شده شاخص‌های مدنظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از گفتارها و بیانات ایشان استخراج شود و مورد تحلیل قرار گیرد. همچنین در پایان تلاش شده

الگوی مفهومی از جمع‌بندی دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه گردد.

### ۱) جایگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

به منظور یافتن جایگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، شناسایی دیدگاه ایشان درباره نظام‌های سیاسی و اهداف آنها حائز اهمیت است. زیرا نظام‌های سیاسی به منظور دستیابی به اهداف خاص طراحی می‌شوند و هدف‌ها از بطن جهان بینی، انسان‌شناسی و عقاید سیاسی مبتنی بر آن استخراج و جریان می‌یابند. از این رو هر تفکر سیاسی برای تحقق آرمان‌های خود تمایل به تشکیل نظام سیاسی دارد. به همین دلیل و نظام‌های سیاسی به عنوان ابزار و وسیله‌ای برای تحقق اهداف تعیین شده در تفکر سیاسی نقش ایفا می‌نمایند. بر این اساس نه تنها هدفمندی برای هر نظام سیاسی امری لازم است، بلکه طراحی راه‌های وصول به آن اهداف نیز از اهمیت خاصی برخوردارند. در این راستا، رهبر معظم انقلاب اسلامی در فرمایشات خود هم به اهداف نظام اسلامی پرداخته‌اند و هم راه‌های وصول به آن را ترسیم نموده‌اند. از نظر ایشان، اهداف نظام اسلامی عبارت‌اند از:

۱. ایجاد حیات طیبه
  ۲. تأمین رفاه مادی
  ۳. تأمین عدالت، معنویت و اخلاق (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با زائران و مجاوران بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام، ۱۵ فروردین ۱۳۸۳).
- همچنین به اعتقاد ایشان آنچه مردم در سایه اسلام باید برخوردار باشند، عبارت‌اند از:
۱. معیشتی شایسته
  ۲. آسودگی و امنیت خاطر و آزادی فکر و اندیشه
  ۳. زندگی عادلانه
۴. تعالی روحی و معنوی (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مردم رفسنجان، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۴).

به منظور دستیابی به اهداف فوق، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را یکی از گام‌های مهم انقلاب اسلامی در دهه چهارم حیات خود به‌شمار می‌آورند و

معتقدند «دستور کار قطعی نظام جمهوری اسلامی، دنبال کردن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. ما پیشرفت را به شکلی که غرب دنبال کرد و پیش رفت، نمی‌خواهیم؛ پیشرفت غربی هیچ جاذبه‌ای برای انسان آگاه امروز ندارد.» (بیانات رهبری در دیدار استادان دانشگاه‌ها، ۱۵ مرداد ۱۳۹۲). از فرمایشات متعدد ایشان درباره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اینگونه استنباط می‌شود که یکی از نیازهای کشور و انقلاب در دهه چهارم حیات خود، ارائه تعریفی از مفهوم پیشرفت است که چند ویژگی اساسی داشته باشد:

۱. برآمده از آموزه‌های و حیاتی اسلامی و مبتنی بر میراث عظیم فقه و حکمت اسلامی باشد.

۲. معطوف به شرایط زمان و نیازهای جامعه کنونی ایران باشد.

۳. متفکران ایرانی آن را تدوین کرده باشد.

در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، الگویی که این ویژگی‌ها را داشته باشد، می‌تواند نظام جمهوری اسلامی ایران را به سمت پیشرفت همه‌جانبه معنوی و مادی سوق دهد. براین اساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با توجه به نقشی که می‌تواند در آینده نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران ایفا نماید، از اهمیت بالایی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری برخوردار است.

## ۲) رویکرد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

بررسی بیانات و نظرات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با شاخص‌های تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بیانگر آن است که رویکرد ایشان دارای سه جنبه اساسی شامل «نقد الگوهای غربی توسعه»، «ترسیم نحوه ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت» و «تبیین ارکان الگوی پیشرفت» است. براین اساس، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن «نقد آنچه که هست»، به تعریف «آنچه که باید باشد» می‌پردازند و ارکان آن را مشخص می‌کنند. از این رو بررسی سه ضلع اندیشه ایشان نسبت به شاخص‌های تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت حائز اهمیت است.

### الف) نقد الگوهای غربی توسعه

در پاسخ به این سؤال که «حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چه نقدهایی به توسعه و الگوهای غربی توسعه وارد کرده اند؟» باید توجه داشت که نخستین شاخص جهت تدوین الگوی اسلامی

ایرانی پیشرفت در نگاه ایشان، ناکارآمد بودن الگوهای غربی توسعه است. نقد ناکارآمد بودن الگوهای غربی توسعه در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سه بُعد اساسی دارد:

بُعد اول به نقد مفهوم تک‌بُعدی توسعه و لزوم جایگزینی آن با مفهوم جامع پیشرفت اختصاص دارد. ایشان استفاده از واژه «پیشرفت» در سخنان خود را عامدانه توصیف می‌نمایند و معتقدند به‌کارگیری واژه «توسعه» مستلزم پذیرش عناصری پنهان در مفهوم توسعه است. چراکه این واژه برگرفته از تاریخ و ادبیات حاکم بر کشورهای غربی است. از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادبیات غرب، کشوری توسعه‌یافته قلمداد می‌شود که با اصول، معیارها و ضوابط حاکم بر کشورهای غربی هماهنگ شود و از تصویر ترسیم شده توسط آنها نسخه‌برداری نماید. ایشان معتقدند «غربی‌ها یک تاکتیک زیرکانه تبلیغاتی را در طول سال‌های متمادی اجرا کردند و آن اینکه کشورهای جهان را تقسیم کردند به توسعه‌یافته، درحال توسعه و توسعه‌نیافته. خب، در وهله اول، انسان خیال می‌کند توسعه‌یافته یعنی آن کشوری که از فناوری و دانش پیشرفته‌ای برخوردار است، توسعه‌نیافته و درحال توسعه هم به همین نسبت. درحالی‌که قضیه این نیست. عنوان توسعه‌یافته - و آن دو عنوان دیگری که پشت سرش می‌آید، یعنی درحال توسعه و توسعه نیافته - یک بار ارزشی و یک جنبه ارزش‌گذاری همراه خودش دارد. در حقیقت وقتی می‌گویند کشور توسعه‌یافته، یعنی کشور غربی! با همه خصوصیاتش؛ فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهت‌گیری سیاسی‌اش این توسعه‌یافته است. درحال توسعه یعنی کشوری که در حال غربی شدن است؛ توسعه‌نیافته یعنی کشوری که غربی نشده و در حال غربی شدن هم نیست. این جور می‌خواهند معنا کنند. در واقع در فرهنگ امروز غربی، تشویق کشورها به توسعه، تشویق کشورها به غربی شدن است! این را باید توجه داشته باشید.» (بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸).

براین اساس حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیشرفت را در برابر توسعه طرح کردند. ایشان درباره تفاوت این دو واژه بر این باور است: «امروز توسعه در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین‌المللی حرف رایجی است. ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوییم، با آنچه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می‌شود، وجوه مشترکی داشته باشد، اما در نظام واژگانی ما، کلمه پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، نایستی اشتباه بشود. آنچه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه غربی (با همان مختصات و با همان شاخص‌ها)

نیست.» (بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸). همچنین ایشان در جای دیگری درباره علل انتخاب مفهوم پیشرفت به جای توسعه می‌فرمایند: «کلمه پیشرفت را ما با دقت انتخاب کردیم. تعمداً نخواستیم کلمه «توسعه» را به کار ببریم، علت این است که کلمه توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد، التزاماتی با خودش همراه دارد که احیاناً ما با آن التزامات همراه نیستیم. ما نمی‌خواهیم یک اصطلاح جاافتاده متعارف را، که معنای خاصی را از آن می‌فهمند، بیاوریم داخل مجموعه کار خودمان بکنیم. ما مفهومی را که مورد نظر خودمان است مطرح و عرضه می‌کنیم. این مفهوم عبارت است از: پیشرفت» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

بعد دوم نقد الگوهای غربی توسعه در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به ماهیت غیردینی و مادی این الگوها اختصاص دارد. در این تصویر از توسعه، نه تنها اثری از آموزه‌ها و ارزش‌های دینی دیده نمی‌شود، بلکه اساساً ضدیت با دین و الهیات از جایگاهی برجسته برخوردار است. این در حالی است که اسلام، هم به پیشرفت مادی و اقتصادی توجه دارد و هم به بعد معنوی و متعالی انسان، و هریک را بدون دیگری ناقص و ناکارآمد می‌داند. در این راستا حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «الگوهای رایج توسعه، از لحاظ مبانی، غلط و بر پایه اومانیسیم و اصول غیرالهی هستند و از لحاظ آثار و نتایج نیز نتوانسته‌اند وعده‌هایی را که درخصوص ارزش‌هایی نظیر «آزادی» و «عدالت» داده بودند، محقق کنند.» (دیدار اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» با رهبر انقلاب، ۶ اردیبهشت ۱۳۹۵).

از نظر ایشان، در دیدگاه اسلام، پیشرفت مادی هدف نیست، بلکه وسیله رشد و تعالی انسان است. در جهان‌بینی اسلامی، ثروت، قدرت و علم وسیله رشد انسان و زمینه‌ساز برقراری عدالت، حکومت حق، روابط انسانی در جامعه و دنیای آباد هستند (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷: ۷۶). ایشان درباره گذار از نگاه مادی و اولویت‌بخشی به معنویات در امور دنیوی می‌فرمایند: «بسیاری از این مشکلاتی که در دنیا پیش آمده، به خاطر نگاه مادی به مسئله اقتصاد و مسئله پول و مسئله ثروت است. همه این چیزهایی که دوستان از انحراف‌های غرب و مشکلات فراوان و مسئله استثمار و استعمار و اینها ذکر کردند، به خاطر این است که به پول و به ثروت نگاه ماده‌گرایانه وجود داشته. می‌توان این نگاه را تصحیح کرد. اسلام برای ثروت اهمیت قائل است، اعتبار قائل است. تولید ثروت در اسلام مطلوب است؛ منتها با نگاه الهی و معنوی. نگاه الهی و معنوی این

است که از این ثروت برای فساد، برای ایجاد سلطه، برای اسراف نباید استفاده کرد؛ از این ثروت بایستی برای سود جامعه بهره برد.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

بُعد سوم نقد الگوهای غربی توسعه در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به اهداف و آرمان‌های دنیوی، که این الگوها در پی آن هستند، اختصاص دارد. با توجه به اینکه مبانی و اصول حاکم بر الگوهای غربی توسعه عاری از ارزش‌های دینی است، در نتیجه اهداف آنها نیز در مغایرت با اصول معنوی و اخروی قرار دارد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره‌ی ناموفق بودن تجربه‌ی غرب در نظام‌های اجتماعی اعتقاد دارند: «من به شما در یک جمله عرض کنم که تجربه غرب، تجربه ناموفقی است. محصول تجربه‌ی غرب در نظام‌های اجتماعی، یکی فاشیسم است (حکومت نازی)، یکی کمونیسم است (حکومت بلوک شرق سابق)، یکی هم لیبرالیسم است (حاکمیت مطلق العنان امروز دنیا، که مظهرش امریکاست و نور چشمی و عزیزکرده‌اش هم اسرائیل است). همه جنایت‌هایی که تقریباً در طول صدوپنجاه سال اخیر صورت گرفته - از آغاز روشنفکری غربی در عرصه‌ی عمل - محصول تجربه غرب است.» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۴).

از نظر ایشان کشورهای غربی که با استعمار توسعه یافته‌اند، نه تنها به پیشرفت اقتصادی دست نیافته‌اند، بلکه فضایل اخلاقی را نیز ذایل کرده‌اند: «پیشرفت کشورهای پیشرفته غربی نتوانست فقر را از بین ببرد، نتوانست تبعیض را از بین ببرد، نتوانست عدالت را در جامعه مستقر کند، نتوانست اخلاق انسانی را مستقر کند. اولاً آن پیشرفت بر پایه‌ی ظلم و استعمار و غارت کشورهای دیگر بنا شد... اینها [کشورهای غربی] پایه‌ی تمدن خودشان را با مکیدن خون ملت‌ها شروع کردند؛ بعد هم با پیشرفت‌های گوناگون، نه ظلم را در کشورهای خودشان برطرف کردند، نه تبعیض را برطرف کردند، نه جوامع فقیر را توانستند به بی‌نیازی برسانند؛ می‌بینید امروز هم وضع اقتصاد در این کشورها چه جوری است، وضع اجتماعی چه جوری است، وضع اخلاقی چه جوری است؛ این انحطاط اخلاقی، این لجنزار اخلاق جنسی در غرب. پیشرفت تمدن غربی، یک چنین پیشرفتی است با این خصوصیات؛ این را ما به‌هیچ‌وجه نمی‌پسندیم» (بیانات در دیدار استادان دانشگاه‌ها، ۱۵ مرداد ۱۳۹۲). همچنین ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «این جوامع اگرچه پیشرفت‌هایی نیز داشته‌اند، اما پیشرفت‌ها تا اعماق آن جوامع نفوذ نکرده و به اخلاق،

عدالت، معنویت و امنیت منتهی نشده است؛ بنابراین ما باید الگوی پیشرفت بومی خود را متکی بر مبانی اسلامی و فرهنگ ایرانی، تعریف و ارائه کنیم.» (دیدار اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» با رهبر انقلاب، ۶ اردیبهشت ۱۳۹۵).

ایشان در جای دیگری درباره پیشرفت در اسلام معتقدند: «البته پیشرفت مادی مطلوب است اما به‌عنوان وسیله. هدف رشد و تعالی انسان است. پیشرفت کشور و تحولی که به پیشرفت منتهی می‌شود، باید طوری برنامه‌ریزی و ترتیب داده شود که انسان بتواند در آن به رشد و تعالی برسد؛ انسان در آن تحقیر نشود. هدف، انتفاع انسانیت است. نه طبقه‌ای از انسان، حتی نه انسان ایرانی. پیشرفتی که ما می‌خواهیم براساس اسلام و با تفکر اسلامی معنا کنیم، فقط برای انسان ایرانی سودمند نیست، چه برسد بگوئیم برای طبقه‌ای خاص. این پیشرفت، برای کل بشریت و برای انسانیت است. نقطه تفاوت اساسی، نگاه به انسان است.» (بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه مشهد، ۱۳۸۶).



ابعاد نقد الگوهای غربی توسعه در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

#### ب) ترسیم نحوه ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت

با توجه به تفاوت‌های موجود میان دو مفهوم «پیشرفت» و «توسعه» در اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دیدگاه ایشان نسبت به نحوه ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت، پرسشی

است که می‌تواند زوایای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را مشخص کند. براین اساس یکی از شاخص‌ها جهت تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت است. در این راستا، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن نقد ابعاد مختلف الگوهای غربی توسعه به ترسیم نحوه ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت پرداخته‌اند. چراکه ایشان اعتقاد دارند پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، معنا و الگوی واحدی ندارد و هر کشور باید متناسب با ظرفیت‌ها و موقعیت تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی خود به طراحی الگوی پیشرفت مبادرت ورزد. در این خصوص ایشان اعتقاد دارند: «پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون (شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی) در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد. بنابراین، یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه اجزای آن الگو را در خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما - با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما - الگوی ویژه خود را دارد؛ باید جستجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم. آن الگو ما را به پیشرفت خواهد رساند؛ نسخه‌های دیگر به درد ما نمی‌خورد؛ چه نسخه پیشرفت امریکایی، چه نسخه پیشرفت اروپایی از نوع اروپای غربی، چه نسخه پیشرفت اروپایی از نوع اروپای شمالی (کشورهای اسکاندیناوی که آنها یک نوع دیگری هستند) هیچ کدام از اینها، برای پیشرفت کشور ما نمی‌تواند مدل مطلوب باشد. ما باید دنبال مدل بومی خودمان بگردیم.» (بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸).

براین اساس از نظر ایشان ضروری است که در بحث شاخص‌های تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به چهار مؤلفه زیر برای تعریف بومی توجه اساسی صورت گیرد:

نخستین مؤلفه در نحوه ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت، عدم تبعیت بی‌چون و چرا از الگوها و نظریه‌های غربی توسعه است. به این معنا که ارائه تعریف پیشرفت بدون تبعیت محض از نظریه‌ها و الگوهای غربی توسعه صورت گیرد. براین اساس حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره پیشرفت بومی، مستقل و غیرغربی اعتقاد دارند: «مسیر پیشرفت، مسیر غربی نیست، مسیر



منسوخ و برافتاده‌ی اردوگاه شرقِ قدیم هم نیست. بحران‌هایی که در غرب اتفاق افتاده است، همه پیش روی ماست، می‌دانیم که این بحران‌ها گریبانگیر هر کشوری خواهد شد که از آن مسیر حرکت کند. پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی - اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم؛ با سرعت مناسب... الگو گرفتن بی‌قید و شرط از نظریه‌پردازهای غربی و شیوه ترجمه‌گرایی را غلط و خطرناک بدانید.» (بیانات بیانان در دیدار استادان و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۷).

همچنین ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «ما اگر دنبال پیشرفت هستیم و پیشرفت علمی را شرط لازم پیشرفت عمومی کشور می‌دانیم، توجه داشته باشیم که مراد ما از پیشرفت، پیشرفت با الگوی غربی نیست. دستور کار قطعی نظام جمهوری اسلامی، دنبال کردن الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی است. ما پیشرفت را به‌شکلی که غرب دنبال کرد و پیش رفت نمی‌خواهیم؛ پیشرفت غربی هیچ جاذبه‌ای برای انسان آگاه امروز ندارد... ما دنبال الگوی مطلوب و آرمانی خودمان هستیم، که یک الگوی اسلامی و ایرانی است؛ از هدایت اسلام سرچشمه می‌گیرد، از نیازها و سنت‌های ایرانی بهره می‌برد؛ یک الگوی مستقل.» (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۵ مرداد ۱۳۹۲).

دومین مؤلفه در نحوه ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت، استخراج مبانی نظری و شیوه‌های تحقق الگو از منابع اسلامی است. به این معنا که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید از منابع اصیل اسلامی نشئت گرفته و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی باشد. از این رو اسلامی بودن الگو به معنای استخراج مبانی، چارچوب‌ها و الگوی پیشرفت از منابع و مبانی اسلامی است که بر مبانی نظری و فلسفی اسلام مبتنی باشد و همه مراحل و فرایندهای طراحی و اجرای الگو باید برخاسته از اسلام باشد. به تعبیر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، «این الگو، اسلامی است؛ به این دلیل که غایات، هدف‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت، یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

ایشان در جای دیگری «اسلامی بودن» الگوی پیشرفت را اساس کار می‌دانند و معتقدند: «لازمه تحقق این موضوع، تحقیقات عمیق اسلامی و ارتباط وثیق و پیوسته با حوزه‌های علمیه و فضایی متفکر، آگاه و مسلط بر مبانی فلسفی، کلامی و فقهی است.» (دیدار اعضای شورای عالی

«مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» با رهبر انقلاب، ۶ اردیبهشت ۱۳۹۵). «این الگو، اسلامی است؛ به‌خاطر اینکه غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت؛ یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است. ما یک جامعه اسلامی هستیم، یک حکومت اسلامی هستیم و افتخار ما به این است که می‌توانیم از منبع اسلام استفاده کنیم. خوشبختانه منابع اسلامی هم در اختیار ما وجود دارد؛ قرآن هست، سنت هست و مفاهیم بسیار غنی و ممتازی که در فلسفه ما و در کلام ما و در فقه ما و در حقوق ما وجود دارد. بنابراین «اسلامی» هم به این مناسبت است.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

سومین مؤلفه در نحوه ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت، طراحی متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی ایران است. به این معنا که ارائه تعریف پیشرفت باید با در نظر گرفتن جنبه ایرانی صورت گیرد. براین اساس انطباق داشتن الگو با شاخصه‌هایی همچون شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیای سیاسی ایرانی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرمایند: «ایران زمینه تحقق این الگو است و اگر به فرهنگ، تاریخ، جغرافیا، اقلیم، آداب و سنن و سرمایه‌های انسانی و طبیعی کشور توجه نشود، الگوی پیشرفت، سندی غیرقابل تحقق و بدون استفاده خواهد شد.» (دیدار اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» با رهبر انقلاب، ۶ اردیبهشت ۱۳۹۵).

همچنین ایشان در جای دیگری در این باره می‌فرمایند: «درخصوص ایرانی بودن الگو، علاوه بر آنکه شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیای سیاسی در تشکیل این الگو تأثیر می‌گذارد - که قطعاً اینها درست است - این نکته هم مطرح است که طراحان آن، متفکران ایرانی هستند؛ این کاملاً وجه مناسبی است برای عنوان ایرانی؛ یعنی ما نمی‌خواهیم این را از دیگران بگیریم؛ ما می‌خواهیم آنچه را که خودمان لازم می‌دانیم، مصلحت کشورمان می‌دانیم، آینده‌مان را می‌توانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم، این را در یک قالبی بریزیم. بنابراین، این الگو ایرانی است.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

چهارمین مؤلفه در نحوه ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت، بومی‌سازی تجربه‌ها و دستاوردهای نظریه‌ها و الگوهای سایر ملل است. به این معنا که ارائه تعریف پیشرفت در الگو می‌تواند دربرگیرنده تجارب و دستاوردهای سایر ملل نیز باشد. چراکه باور به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به این معنا نیست که چشم بر تجربه دیگر ملت‌ها بسته شود. براین اساس حتی اگر در جهان بینی و فرهنگ با سایر ملل اختلاف نظر وجود داشته باشد، باز هم باید از راه‌حل‌های عقلایی، دستاوردهای علمی، فناوری‌های تازه و تجربه‌های مدیریتی دیگران در حل مشکلات خود بهره‌مند شد. در واقع استقلال در گزینش الگو، به معنای ستیزه با عقل، منطق و فطرت مشترک انسانی نیست. به همین دلیل در طراحی الگو به همان اندازه که باید به ضعف‌ها و کج‌روی‌ها و ناکامی‌های دیگران توجه صورت گیرد، لازم است که به موفقیت‌های آنها نیز توجه شود. البته در همه حال، تشخیص قوت و ضعف دیگران باید با معیار و ملاک ارزش‌های بومی خود صورت گیرد. طبیعتاً در ارائه چنین الگویی نه تنها مبانی اسلامی و شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران لحاظ می‌شود، بلکه از تجربه‌های درست دیگر ملل نیز می‌توان بهره برد و آنها را بومی‌سازی کرد.

براین اساس حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز علاوه بر ابعاد اسلامی و ایرانی الگو، بر استفاده از دستاوردهای سایرین تأکید دارند: «البته اینکه ما می‌گوییم ایرانی یا اسلامی، مطلقاً به این معنا نیست که ما از دستاوردهای دیگران استفاده نخواهیم کرد؛ نه، ما برای به دست آوردن علم، هیچ محدودیتی برای خودمان قائل نیستیم. هر جایی که علم وجود دارد، معرفت درست وجود دارد، تجربه صحیح وجود دارد، به سراغ آن خواهیم رفت؛ منتها چشم‌بسته و کورکورانه چیزی را از جایی نخواهیم گرفت. از همه آنچه که در دنیای معرفت وجود دارد و می‌شود از آن استفاده کرد، استفاده خواهیم کرد.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).

همچنین ایشان در جای دیگری تأکید می‌کنند که «انسان باید همیشه از تجارب دیگران هم استفاده کند. ما بدمان نمی‌آید و ننگمان نمی‌کند که از دیگران یاد بگیریم. آنچه که بد است، این است که ما بیاییم الگوهای ملت‌های دیگر و فرهنگ‌های دیگر را به‌طور دربست در بین ملت و کشور خودمان پیاده کنیم و اقتضائات و شرایط و زمینه‌ها را اصلاً در نظر نگیریم... ما باید از تجربه‌های دنیا - چه دنیای غرب، چه دنیای شرق؛ ملت‌های گوناگون - حتماً استفاده کنیم برای

کیفیت بخشیدن به الگوی خودمان.» (بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰).



شاخص‌های ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت در بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

در مجموع، مباحث مطرح شده نشان می‌دهند که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن نفی الگوها و نظریه‌های غربی توسعه، دو وجه اسلامی و ایرانی دارد که باید به هر دوی آنها توجه کافی صورت گیرد. چنان‌که از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز توجه به هر دو وجه حایز اهمیت است. درعین حال به اعتقاد ایشان، توجه به تجربه سایر ملل نیز در طراحی، تدوین و تحقق الگو از اهمیت زیادی برخوردار است.

### ج) تبیین ارکان الگوی پیشرفت

با توجه به نقدهای وارده در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به توسعه و همچنین دیدگاه ایشان نسبت به نحوه ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت، پاسخ به این مسئله که رهبر انقلاب اسلامی «چه مواردی را به‌عنوان ارکان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نظر گرفته‌اند؟» حائز اهمیت است. به‌خصوص که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن نقد ابعاد مختلف الگوهای غربی توسعه و همچنین ترسیم نحوه ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت، به بیان و تبیین شاخصه‌ها و ارکان الگوی پیشرفت نیز پرداخته‌اند. ایشان هفت مسئله را درخصوص ارکان

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مطرح کرده‌اند که ضروری است این موارد در تدوین الگو مدنظر قرار گیرند. این ارکان شامل موارد زیر می‌شود:

رکن اول الگوی پیشرفت توجه به مبدأ (توحید) است. از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اگر توحید اعتقاد به خدا و التزام به این اعتقاد به بدنه زندگی بشر بسط داده شود، مشکلات جامعه بشری حل و راه پیشرفت حقیقی گشوده خواهد شد.

رکن دوم الگوی پیشرفت توجه به معاد است؛ چراکه در نظر گرفتن مسئله معاد و محاسبه اخروی موجب منطقی شدن تحمل همه دشواری‌ها و ترویج ایثار و از خودگذشتگی می‌شود. رکن سوم الگوی پیشرفت توجه به مسئله عدم تفکیک دنیا و آخرت است؛ چراکه چنین امری می‌تواند به نتایج همان الگوهای غربی توسعه منجر شود.

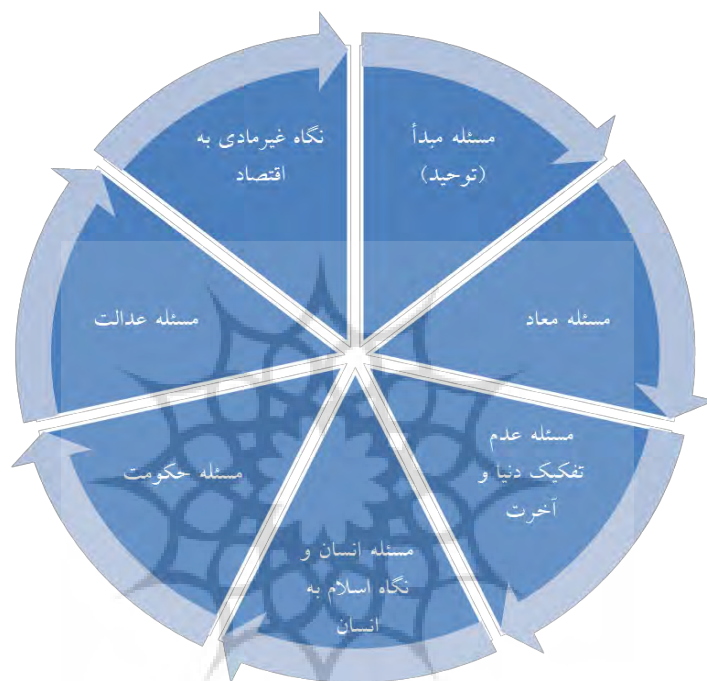
رکن چهارم الگوی پیشرفت مسئله انسان و نگاه اسلام به انسان است که با تعریف غربی انسان در مدرنیسم به کلی تفاوت است. از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، انسان در نگاه اسلام موجودی مختار، مکلف و در معرض هدایت الهی است. در این نگاه، مردم‌سالاری علاوه بر اینکه حق مردم است تکلیف آنها نیز می‌شود و کسی نمی‌تواند بگوید صلاح یا فساد جامعه به من مربوط نیست.

رکن پنجم الگوی پیشرفت توجه به مسئله حکومت است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درخصوص مسئله حکومت اعتقاد دارند در اسلام کسی که اهل استعلا و برتری‌طلبی است یا همه چیز را برای خود می‌خواهد حق ندارد قدرت را قبول کند و مردم نیز حق ندارند چنین شخصی را انتخاب کنند که این نگاه سعادت‌بخش، باید در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جاری شود.

رکن ششم الگوی پیشرفت توجه به مسئله برقراری عدالت است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند عدالت باید به‌عنوان یکی از ارکان اصلی در الگوی پیشرفت لحاظ شود؛ چراکه در اسلام، عدالت، معیار حق و باطل و ملاک مشروعیت یا عدم مشروعیت حکومت‌هاست. به اعتقاد ایشان، در اسلام اگر شاخص عدالت وجود نداشت، حقانیت و مشروعیت زیر سؤال می‌رفت.

رکن هفتم الگوی پیشرفت، نگاه غیرمادی به اقتصاد است که مؤید ماهیت کاملاً متفاوت این الگو با الگوهای غربی توسعه است. از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، اسلام برای ثروت، اهمیت

قائل است و تولید ثروت را مطلوب می‌داند به شرط اینکه از آن، برای ایجاد فساد و سلطه و اسراف استفاده نشود (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰ آذر ۱۳۸۹).



ارکان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

### نتیجه‌گیری

بررسی روند توسعه ایران در سال‌های پس از انقلاب را می‌توان به دو مقطع پیش و پس از پایان جنگ تحمیلی تقسیم کرد؛ زیرا از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی، ایران در وضعیت خاصی قرار داشت. طی این سال‌ها، سایه انقلاب و جنگ سنگینی خاص خود را بر توسعه حفظ کرد. در این دوران اگرچه نظام برآمده از انقلاب اسلامی در پی تحقق توسعه بود، اما شرایط انقلابی و جنگی مانع از تدوین و اجرای یک الگوی توسعه جهت پیشرفت کشور شد.

با پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و برقراری ثبات و آرامش در کشور، فصل نوینی از تحولات انقلاب اسلامی آغاز شد که در آن یکبار دیگر آرمان‌های انقلاب مبنی بر ایجاد یک توسعه بومی مطرح شدند. در این بین، اگرچه الگوهای مختلفی در خصوص توسعه مطرح بود، اما هریک از دولت‌های پس از جنگ تحمیلی به سمت استفاده از الگوی خاص خود رفتند و هیچ‌یک از قابلیت هم‌تکمیلی الگوی توسعه در دولت‌های پیشین استفاده نکردند.

به این ترتیب، انقلاب اسلامی ایران در سه دهه اول حیات خود به اقتضای تحولات زمانی و مکانی و شرایط موجود، الگوهای بسط محور، حفظ محور، سازندگی و اصلاحات را تجربه کرده و برنامه‌های توسعه خود را برابر آن سامان‌دهی و اجرا نمود که هیچ‌یک از آنها نتوانستند موجب پیشرفت همه‌جانبه کشور مطابق با آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی شوند. در عین حال سابقه به‌کارگیری الگوهای غربی توسعه در ایران نشان می‌دهد که اجرای این الگوها ناخواسته موجب مشکلات اقتصادی و اجتماعی نظیر نابرابری اجتماعی شده‌اند. این امر، تغییرات ارزشی و فرهنگی نیز در پی داشت که خود چالشی برای برنامه‌های بعدی به‌شمار می‌رفت. یکی از این تغییرات تجمل‌گرایی و نیز تبدیل شدن ثروت به یک ارزش اجتماعی در میان برخی قشرهای جامعه بود. در نتیجه، الگوهای غربی توسعه ایران را با پیامدها و عوارضی مواجه کرد که با تحولات بنیادین پس از انقلاب اسلامی و اهداف و آرمان‌های آن همخوانی و همسویی نداشتند. از این رو، ضرورت طراحی الگویی متناسب با آرمان‌ها، هویت دینی و بومی جهت دستیابی به اهداف بنیادین بیش از پیش نمایان شد.

در این راستا، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی، توجه مسئولان، مردم، اندیشه‌ورزان، متفکران و نخبگان دانشگاهی و حوزوی را به ضرورت و لزوم تبیین و طراحی «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» به‌عنوان سند فرادستی همه اسناد و قوانین و حتی چشم اندازهایی که برای پیشرفت کشور تعیین می‌شود معطوف کردند. این امر باعث شد که مسئله پیشرفت و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به یکی از مباحث مهم در دهه چهارم انقلاب اسلامی مبدل شود.

بررسی ابعاد مختلف تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به چند دلیل از اهمیت زیادی برخوردار است:

نخست آنکه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اولین فردی بودند که در ایران مقوله پیشرفت را در برابر مفهوم توسعه مطرح کردند.

دوم آنکه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات مختلف خود به ترسیم ابعاد و اهداف الگو پرداخته‌اند.

سوم آنکه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جهت طراحی و تحقق الگوی پیشرفت به ایجاد ساختارهای لازم نظیر مرکزی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخته‌اند.

چهارم آنکه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به دلیل جایگاه رهبری که فراجناحی و فراقوه‌ای به شمار می‌آید، رویکردی جامع و بی‌طرفانه به مقوله پیشرفت کشور دارند.

پنجم آنکه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از نظر شخصیتی و شیوه‌های رهبری، از ویژگی‌ها و خصوصیات لازم جهت راهبری و هدایت الگوی پیشرفت برخوردارند.

ششم آنکه یکی از ویژگی‌های بارز حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفتمان‌سازی است. به‌نحوی که ایشان ضمن نقد گفتمان‌های غربی، همواره بر جنبه‌های ایجابی گفتمان اسلامی نیز تأکید داشته‌اند.

با توجه به بیانات و نظرات نقل شده از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان به رویکرد و نگاه ایشان در خصوص مقوله پیشرفت در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پی برد. براین اساس شیوه تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت است. زیرا هر پیشرفتی به منظور دستیابی به اهدافی همانند ایجاد حیات طیبه، تأمین رفاه مادی و تأمین عدالت، معنویت و اخلاق، معطوف به ویژگی فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی، معنا و مفهوم می‌یابد. در نتیجه، هیچ برنامه و الگوی توسعه‌ای تعمیم‌پذیر نیست و نمی‌توان نسخه آن را دقیقاً برای کشور دیگری پیچید. از این رو با توجه به تفاوت‌های تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی جوامع گوناگون، الگوهای پیشرفت متناسب با کشورهای مختلف، با هم متفاوت است. در نتیجه، می‌توان بدون پذیرش جهان‌بینی، ایدئولوژی و تمدن غرب، به پیشرفت دست یافت و بنیان پیشرفت مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های سازگار و استحکام‌گر هویت ملی و مذهبی را بنا نهاد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هم در مبانی و اهداف و هم در قالب و جهت با سایر الگوهای طراحی شده متفاوت است. به این معنا که چه در مبانی نظری و چه در مسیر تحقق الگو از تأثیرپذیری و پیروی از الگوها و نظریه‌های غربی



پرهیز می‌شود. در چنین صورتی، الگویی که شکل خواهد گرفت، بر منابع اسلامی و ایرانی مبتنی خواهد بود و درعین حال از تجربه مفید سایرین نیز استفاده می‌کند.

از این رو، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید دربرگیرنده دو ویژگی جامعیت و مانعیت به صورت هم‌زمان باشد. به این معنا که جامع اصول، اهدا و آرمان‌های اسلامی - ایرانی و مانع اهداف و آرمان‌های غیراسلامی و ایرانی باشد. جامع و مانع بودن الگو مستلزم وجود موازین و الزاماتی است که راه را بر هر عنصر اسلامی - ایرانی هموار نموده و بر عناصر غیراسلامی و ایرانی ناهموار و بلکه مسدود کند.

در مجموع، بررسی نکاتی که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص محتوای اسلامی الگو بیان فرموده‌اند، نشان می‌دهد که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مدنظر رهبری ماهیتاً با آنچه عالم غرب مدرن و نزد الگوهای منشعب از مکاتب فکری همچون لیبرالیسم و مارکسیسم، ترقی و توسعه دانسته می‌شود، تفاوت زیادی دارد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مورد نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای یک منظومه جامع فراگیر است که تماماً ریشه در هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی دارد. بر این اساس یافته‌های بحث که مبتنی بر تحلیل بیانات، نظرات و گفتمان مقام معظم رهبری درباره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است، حکایت از آن دارد که ناکارآمدی الگوهای غربی توسعه (مفهوم تک‌بعدی، ماهیت غیر دینی و مادی و همچنین اهداف و آرمان‌های دنیوی) ارائه تعریف بومی و مستقل از پیشرفت (عدم تبعیت بی‌چون و چرا از الگوها و نظریه‌های غربی توسعه، استخراج مبانی نظری و شیوه‌های تحقق الگو از منابع اسلامی، بومی‌سازی تجربه‌ها و دستاوردهای نظریه‌ها و الگوهای سایر ملل و طراحی متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی ایران) و تبیین الگویی مبتنی بر شاخصه‌ها و ارکان اسلامی (مسئله مبدأ، مسئله معاد، مسئله عدم تفکیک دنیا و آخرت، مسئله انسان و نگاه اسلام به انسان، مسئله حکومت، مسئله عدالت و نگاه غیرمادی به اقتصاد) از جمله شاخص‌هایی هستند که تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضروری کرده‌اند.

با این اوصاف آنچه که از بیانات و گفتارهای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نحوه و دلایل طرح آن قابل استخراج است، می‌تواند به‌عنوان یک مبنای نظری در پژوهش‌های مرتبط با شیوه و مراحل تدوین الگو مورد استفاده قرار گیرد.

## منابع

- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد امیرالمؤمنین (۱۳۸۱)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۳ شهریور.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با زائران و مجاوران بارگاه ملکوتی حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام (۱۳۸۳)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۵ فروردین.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مردم رفسنجان (۱۳۸۴)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۸ اردیبهشت.
- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان (۱۳۸۴)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۹ اردیبهشت.
- بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز (۱۳۸۷)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۴ اردیبهشت.
- بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان (۱۳۸۸)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۲۷ اردیبهشت.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی (۱۳۸۹)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۰ آذر.
- بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور (۱۳۹۰)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۴ اردیبهشت.
- بیانات در دیدار استادان دانشگاه‌ها (۱۳۹۲)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۵ مرداد.

دیدار اعضای شورای عالی «مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» با رهبر انقلاب (۱۳۹۵)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۶ اردیبهشت.

ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۷)، «حکمرانی خوب بارویکرد اسلامی»، *علوم/انسانی*، سال هفدهم، ش ۷۶.

- ورنر. سورین و جیمز تانکارد (۱۳۸۶)، *نظریه‌های ارتباطات*، علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

